

بحث در موضوعات حقوقی

حقوق جزائی

و مرتکب بمجازات نمیرسید از اینجهت قانون راشی را از مجازات معاف میدارد.

سوم - اصل رابطه و علاقه بین مجرم و هدف و قربانی جرم مثل سرقت از مال پدر و یا مادر و یا شوهر چنانچه در قوانین مجازات ملل نیگانه قانون معافیت دایر و معمول است.

علت و سر معافیت رعایت از حفظ علاقه و ارتباط روحی و ممنوی است که قانون بواسطه آنکه اجراء مجازات را موجب کدورت بک خانواده و تفریق اعضاء آن از یکدیگر می بیند و این زیان سنگین تر از زیان جرم و از توازن بیرون است از مجازات صرف نظر مینماید و خلاصه اصول سه گانه جبران و تدارك - رعایت رابطه و علاقه و تسهیل کشف جرم اسباب و عللی است که احساسات و عواطف گذشت قانون را بخود جلب و تخفیف را بسامان عفو و اغماض میبرد نهایت باقیاء مسئولیت جزائی باین معنی که قانون مرتکب جزائی را مسئول تشخیص داده منتهی نظر به اسباب و عللی از مجازاتش صرف نظر کرده است نه آنکه بمثل سبب و رافع مجازات مسئولیت جزائی را بکلی از بین ببرد و عبارت دیگر فرق است بین اعذار و مواع مجازات و اسباب و موجبات رفع مسئولیت جزائی چه آنکه در نوع دوم از قبیل سفر سن و جنون و اکراه و بکار بردن حق دفاع قانونی و اطاعت اوامر مافوق عمل اساساً جرم و قابل تعقیب جزائی نیست ولی در نوع عمل ماهیتاً جرم خواهد بود نهایت قانون از لحاظ جبران زیان و رعایت احترام علاقه و تسهیل کشف جرم عفو و اغماض مینماید.

انواع موجبات تخفیف

اسباب و موجبات تخفیف بر دو قسم است : قانونی

و قضائی.

و چون بی بردن بحقیقت هر يك و شناختن آن موقوف بمعرفت اصول و مبانی جدا گانه است که نمیتوان آنها را خلط نمود بدینجهت برای هر کدا. بحث جدا گانه باز نموده و در آن گفتگو مینمائیم.

اسباب و موجبات معافیت از مجازات

یا

اعذار و مواع قانونی کیفر عمل

اسباب و عوامل معافیت موجباتی است که قبون ثبوت و تحقق آنها را عامل مؤثر برای گذشت و عفو و اغماض از مجازات تشخیص داده بدون آنکه اساس مسئولیت جزائی را متزلزل نموده و از بین ببرد و آن عبارت از سه اصل است :

اول - اصل جبران و تدارك زیان حاصل از جرم چنانکه پیش بآن اشاره کرده و گفتیم که چون در بعضی از موارد زیان جرم صرف شخصی و بمدعم فاعل جبران و تدارك مینماید بدین سبب قانون خط عفو را بر روی جرم کشیده و از مجازات صرف نظر میکند مثل عمل منافی عفت بازن که مرتکب پس از انجام عمل با ایجاد علاقه ازدواج مبادرت میکند.

دوم - اصل تسهیل کشف جرم مانند اعلام راشی بمقامات صالحه در مواردیکه مستخدم برای انجام وظیفه و یا امتناع از آن وجه یا مالی بطور رشوه گرفته است قبل از آنکه بنگاه جزائی صلاحیتدار برخورد نموده و شروع بتعقیب و تحقیق کرده باشد در اینگونه موارد نظر بآنکه اعلام کننده وقوع جرم را بمقامات صالحه اطلاع داده و راه و وسیله تحقیق و کشف جرم را برای کاشفین باز و بالاخره زیان را با سود تدارك کرده است و چنانچه اعلام نمیکرد چه بسا جرم در نهان مانده

حالات روحی و قوای مادی مجرم باشد ناچار تخفیف درباره آنان رعایت شده است.

اسباب اختصاصی تخفیف

اسباب اختصاصی تخفیف آنست که مختص بجرم خاص میباشد و شامل جمیع جرائم نیست مثل اینکه شخص در مقام دفاع قانونی از حدودی که قانون معین کرده تجاوز و زیاد روی نماید در این مورد چنانچه قوانین مجازات های ملل بیگانه حکایت می کنند تخفیف رعایت می شود.

اسباب و موجبات تخفیف قضائی

نظر بانسکه فکر قانون در تشخیص اسباب موجبات تخفیف از روی حدس و تقریب میباشد نه حقیقی و واقعی و ممکن است در نتیجه بکار رفتن تخفیف تقریبی نتیجه منظوره یعنی اصلاح مجرم و تأمین سلامت عمومی حاصل نشود چه با کثرت اختلافات افراد انسان از حیث قوای مادی و معنوی و تشنث علل تکوینی و اجراء جرم و مقتضیات گوناگون طبیعی و اجتماعی احاطه کامل قانون بتمام اسباب و مقتضیات تخفیف بسیار دشوار و بلکه عادتاً محال است قوه تقنینیه تمام علل و موجبات تخفیف را پیش بینی کرده و در نظر میگیرد بطوری که از مرز و دائرة توازن و تعادل سود و زیان خارج نشود از اینجهت بدادگاه حق و اختیار داده شده که در مواقع احتیاج و برخورد بموجبات و اوضاع و احوالی که پیش بینی نمیشده رعایت از تخفیف نموده و آن حکم بدهد.

اینست حقیقت و ماهیت اسباب و موجبات تخفیف قانونی و قضائی که بر اثر اختلاف ماهیت احکام آنها مختلف و برای هر يك آثار وضعی مخصوصی است که ذیلاً نگاشته میشود.

اول آنکه عوامل تخفیف قانونی دو نوع خواهد بود عمومی و اختصاصی ولی موجبات تخفیف قضائی عمومی است و دادگاه حق دارد این رأفت و شفقت را در تمام جرائم و مجازاتها بااستثناء مواردی چند بکار برد.

دوم تخفیف قانونی درجه و ماهیت جرم را تغییر داده و وجهه عمل جنائی را بجنحه تبدیل مینماید مثلاً در صورتی که سن مجرم ۱۷ سال تمام نیست و مرتکب جرمی شد که

عوامل تخفیف قانونی عبارت از عللی است که قانون صریحاً آنرا عامل مؤثر در تخفیف مجازات شناخته و معرفی میکند که اجراء آن برای دادگاه حتمی و الزامی است و بهیچوجه نمیتواند از آن حدود تجاوز نموده و یا آنرا توجیه و تأویل و تفسیر کرده و یا مواردی را که مشمول منطوق قانون نیست عطف و الحاق کرده و قیاس نماید.

اسباب و موجبات تخفیف قانونی و یابینان دیگر اعدادار باعتبار شمول و تعمیم آن نسبت بجمیع جرائم و اختصاص بجرم خاص بدون آنکه شامل سایر جرائم گردد بدون نوع عمومی و اختصاصی شناخته میشود.

اسباب عمومی تخفیف

موجبات عمومی تخفیف آنست که شامل هرگونه جرم گردیده و موجب تخفیف خواهد بود از قبیل درجات سن که اگر سن مجرم بهیچجه سال تمام نرسیده و مرتکب هرگونه جرمی شده خواه جنحه و خواه جنایت مجازاتش اخف از مجازات مجرمی است که سن وی از آن نصاب متجاوز و مرتکب عمل جنحه و یا جنایت میشود نهایت در صورتی که عمل ۱۸ سال ناتمام جنائی باشد مجازات آن بجنس در دارالتأدیب که از پنجسال تجاوز نکند تبدیل و چنانکه مرتکب عمل جنحه گردید مجازات وی کمتر از نصف حد اقل و زائد از نصف حد اکثر مجازات جرمی که در قانون مقرر شده است نخواهد بود بنا بر این درجه سن در نصاب مخصوص مؤثر و از جمله عوامل تخفیف در مجازات هرگونه جرمی میباشد.

فلسفه رعایت تخفیف در باره اشخاص تازه عهد بسن نخست ضعف قوه سنجش و موازنه آنهاست بین زشت و زیبا و سود و زیان جرم و مجازات که چون رشد این سن بسر نرسیده و کامل نیست نمیتواند سود و زیان هرکاری را کاملاً تشخیص داده و بیابد که عمل سود آور و یا زیان آور است و چه عملی زشت و کدام فعلی زیبا است. دوم عدم تناسب اعضاء و عضلات و روحیات و بالاخره ترکیب بندی خلقت وی با مجازات شدید و چون باید مجازات متناسب با

تعلیق در مجازات

تعلیق مجازات همان روح تخفیف است که احساسات و عواطف گذشت قانون را جلب و در نتیجه صورت تعلیق مجازات جلوه مینماید. ساختمان قانون تعلیق اساساً مولود و نتیجه تطورات جنبه افکار ادبی و اخلاقی جزائی است که در طی آزمایش و عمل و پوی بردن بر و حیات مجرمین بیشتر و مطالعه در احوالات مختلفه اشخاص و توجه با سبب و عللی که آشیانه جرم را میسازد چه بسا مشاهده شده است که اشخاص با شرافت و حیثیت در اثر فشار حوادث ناگوار و فائق آمدن احساسات و عواطف آنان بر منطق عقلی ایشان بردباری را از دست داده و بدون میل طبیعی و سنجش سود و زیان عمل مرتکب جرم شده اند و یا در نتیجه شدت احتیاج طاقت فرسا و تأمین نشدن وسائل ضروری آسایش بطور اتفاق شکستهای را رها و دچار لغزش و خطا گردیده اند و برای اصلاح اینگونه فرزندان جامعه همینقدر کافی است که از آنها بازخواست نموده و آنان را با تحقیق و محاکمه مواجهه داد و چندان احتیاجی بمعکویت جزائی و اجراء مجازات در حق آنها نیست و اگر بخواهیم در باره این اشخاص مجازات را اجرا کنیم گذشته از آنکه ممکن است رعب مجازات در نظرشان کوچک جلوه نماید و اخلاق آنها در زندان فاسد گردد و زیان بیرون از تعادلی خواهد بود که وجدان بآن رضایت نمیدهد.

این حس ادبی و اخلاقی افکار جزائی را بدین نکته رانده که برای نخستین ارتکاب جرمی که بواسطه نفوذ و حکومت عوامل ناگهانی و اتفاقی رخ داده و احوال مینمایند که فاعل از کردار خویش پشیمان و در آینده اعتدال اخلاقی را از دست نخواهد داد بنا و ساختمان تعلیق را استوار نماید و بالجمله همانطور که قانون در مجازات مرتکبین جرم تکرار و کسانی که معتاد بجرم شده اند تشدید میکند بهمان فلسفه و منطق در پاداش و سزای اولین ارتکاب جرم آنگونه اشخاص ارفاق و تخفیف مینماید بنابراین تعلیق در حقیقت از ششون و اطوار ارفاق و تخفیف است.

بنا و ساختمان تعلیق مجازات

بنا و ساختمان تعلیق مجازات تا حال روی دو شالوده گذاشته شده است یکی شالوده تعلیق صدور حکم مجازات و دیگر شالوده تعلیق اجراء حکمی که صادر شده است.

بموجب اصول اولیه قانون جنائی محسوب است عملش در قانون جنبه بشمار خواهد آمد زیرا بنا با سلوب و خط مشی امروز که تفرقه ماهیت و درجه جرم را تشخیص مجازات قرار داده است و فقط از راه تعیین و امتیاز مجازات میتوان بشناسائی آنها پی برد و گرنه تعریف ماهوی و حد تام رسمی از جهت جنبه و جنایت و خلاف نشده است نمیتوان قبل از تشخیص میزان مجازات ماهیت و درجه بندی جرم را یافت تشخیص و امتیاز حقیقت و درجات جرائم بسنه بشخص اطوار و کیفیات و ششون مجازاتی است که در قانون معین شده است و چون عوامل تخفیف قانونی در حقیقت عبارت از مجازاتی خواهد بود که قانون در اول و هله برای جرم معین نمیکند ناگزیر همان مجازات معین تفرقه حقیقت و ماهیت جرم میشود برعکس اسباب و موجبات تخفیف قضائی که وجهه عمل و ماهیت جرم را تغییر نمیدهد چه آنکه مجازات جرم در قانون معین شده و از آن راه درجه نیز تشخیص شده است نهایت دادگاه از لحاظ احساسات و عواطف قضائی در مجازات تغییر و تخفیف داده و این تغییر عامل ثانوی است که فقط در مجازات مؤثر شده نه در درجه جرم. سوم از خصائص تخفیف قضائی اختیار تام دادگاه است که میتواند تخفیف را در باره متهم اصلی بدون آنکه در حق شریک و یا معاون وی منظور بدارد جاری نموده و بر عکس بدلیل آنکه تخفیف قضائی امور غیر محدود و مطلق است که بنظر دادگاه راجع باشخاص میرسد و چه بسا آن اوضاع و احوال در متهم اصلی موجود و در شریکش نباشد یا برعکس. چهارم تخفیف قانونی محدود بعنارین و موجبات و عناصر معین است و اجراء آن برای دادگاه چنانچه پیش اشاره شد الزامی است ولی تخفیف قضائی محدود بحدی نیست و بسته بنظر و اختیار دادگاه خواهد بود.

پنجم در تخفیف قضائی لازم نیست که دادگاه اوضاع و احوالی را که برای تخفیف در نظر گرفته ذکر نموده و با استدلال موجه تخفیف را در حکم جزائی قید نماید و فقط بایستی اشاره کند که مجازات در نتیجه رعایت تخفیف تشخیص و معین میشود ولی در تخفیف قانونی باید بوجود موجبات تخفیف و تطبیق مورد با مواد قانونی تخفیف تصریح کرده و اشتغال نماید.

شالوده تعلیق حکم

تعلیق صدور حکم شالوده ایست که انگلستان در تاریخ سال ۱۸۸۷ ریخته و بر طبق آن قانون بنا کرده است که قاضی امر نتواند در موامعی که با آن گروه از متهمین مواجه شود صدور حکم مجازات را موکول و معلق بزمان آینده نموده و از آنها تعهد التزام بگیرد که در آینده مرتکب عمل زشت نشوند و چنانچه بعد و در ظرف مدت معینی مجدداً مرتکب جرم شدند آنگاه حکم جرم پیشین را صادر نماید.

شالوده تعلیق اجراء حکم

شالوده و قانون تعلیق اجراء حکم در تاریخ سال ۱۸۸۸ در بلژیک و در سال ۱۸۹۰ در منطقه فرانسه قبول و پذیرفته شده است.

تعلیق اجراء حکم آن است که دادگاه حکم مجازات اولین جرم را صادر کرده و اجراء آنرا بآینده معلق و موکول مینماید که چنانچه در ظرف مدت مقرر مجرم دوباره مرتکب جرم گردد حکم پیشین اجراء و هرگاه مرتکب جرمی نشود حکم بلیکی لغو و از اعتبار افتاده و در نتیجه آثاری بر آن مترتب نمیشود و نام مجرم از شماره گناهکاران کشور محو میشود.

ارکان و شروط تعلیق اجراء حکم

طرز ساختمان و ارکان و شروط قانون تعلیق اجراء حکم در قوانین مجازات امروزه جهان یکسان نیست آراء نوعاً پدید آشنمندان حقوق نیز متشتم و مختلف است بنا بر این نظر قنطاریان ذکر عقیده دیگران نموده و فقط نظر به خودمان را ائینان میکنیم.

برای تعلیق اجراء حکم وجود ارکان و شروط ذیل لازم است اول آنکه تعلیق در احکام جنائی و خلافی جاری نخواهد شد چه با اهمیت و سنگینی زبان جرم جنائی تعلیق حکم از نظر رعایت حال مجرم خارج از توازن سود و زیان و بخلاف کاری از دیگران است تا بتعذیب و میان روی و اما راجع با حکام خلافی نظر بر آنکه مدت حبس و مقدار غرامت خیلی کم و قابل توجه نیست و با کمی آن از حد اقل و اکثر هم میباشد که ممکن است در این موارد بمختصر حبس و غرامت منتهی گردیده و در بعضی جهت تراهی برای فلسفه تعلیق نظر نمیرسد و مجازات آن چندین زبان آوری بحالت مدعی و روحی مجرم بنخواهد بود.

دوم - عدم وجود سابقه محکومیت جزائی متهم خواه جنحه خواه جنائی.

سوم - بعقیده نگارنده حکمی که تعلیق میشود نباید مدت آن از حداقل مجازاتیکه برای جرم در قانون مقرر گردیده متجاوز باشد چه اگر تجاوز کرد کاشف از آن است که زبان جسیم و مجرم دارای حالات و ملکاتی است که نمیتوان بکمتر از آن مجازات قناعت نمود در اینصورت تعلیق مخالف با آن فلسفه ایست که پیش بینی کرده ایم.

چهارم - تعلیق فقط در حکم مجازات حبس منظور میشود نه سایر مجازاتهای برافلسفه تعلیق بنا بر آنچه پیش نگاشته شده استخلاص مجرم است از خطر و زیان بند محدودیت آزادی و حریت شخصی که دچار زندان نشده و حالت روحی و ادبی وی تغییر نیابد و این زبان و خطر در سایر مجازاتهای است خاصه مجازات غرامت که میتوان گفت در حکم تعلیق اجراء حکم حبس است یعنی همانطور که تعلیق مؤثر و مجرم را تهدید و اصلاح مینماید بدون آنکه گرفتار بند زبان محدودیت حریت فردی شده و فوق العاده بروحیات او فشار وارد آید نیز غرامت همین تأثیر را نموده و با حیثیت و شرافت او هم منافی نیست پس باین دلیل غرامت قابل تعلیق نمیشود ولی بعقیده جمعی از دانشمندان غرامت قابل تعلیق است و چنین استدلال مینمایند که منظور از آن تهدید و ترغیب مجرم هر دو است تا در آینده بزشکارتی مایل نشود و از این حیث فرق و تفاوتی بین مجازات حبس و غرامت نخواهد بود.

ششم - تعلیق در مجازات قابل تجربه نیست و نمیتوان قسمتی از مجازات را بطور منجر حکم داده و قسمت دیگر را معلق کرد چه آنکه مجازات تظاهر به مجموع اعمال زبان آوری است درباره مجرم که قانون مقرر نموده است و تنها اجراء قسمتی از آن اعمال مجازات فرض نشده تا بتوان آن را معلق نمود مثلاً هرگاه یکسال حبس برای مجرم مقرر گردید مجازاتش همان استمرار محدودیت آزادی فردی است بمدت یکسال و جایز نیست آن را به دو ششماه مجازات تبدیل برده و قسمتی را منجز و قابل اجراء تشخیص و قسمت دیگر را تعلیق و بآینده موکول کرد.

تمام ششم قسمت دوم کتاب و میر ویم در قسمت سوم و احوالات مجرم بحث و گفتگو نمائیم. اطفی رئیس انستیتوت حقوقی